



دخترانی که بی شوهر ماندند، پسرانی که بی همسری برگزینند

سن یک میلیون و 300 هزار مجرد در کشور از حد متعارف ازدواج گذشته است.

سن یک میلیون و 300 هزار مجرد در کشور از حد متعارف ازدواج گذشته است. این آمار در حالی است که تنها 320 هزار نفر از مجردان را مردان مابقی یعنی 980 هزار نفر را زنان مجرد تشکیل می دهند. بنابراین تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده بالای سن متعارف و قبل از مجرد قطعی سه برابر مردان است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از خبرآنلاین، سال ۱۳۹۰ آغاز دهه تجرد در ایران بود. تجردی که گرچه در دهه های پیش نیز در ایران دیده می شد اما به واسطه تعداد زیاد دهه شصتی ها که حالا در دهه نود جوانانی در سن ازدواج بودند، این آمار رو به فزونی گذاشت. آماری که در سال ۹۰ حکایت از زندگی مجردی و تک نفره 7.1 درصد خانواده های ایرانی داشت.

زندگی مجردی اما تنها در یک سطح یا در یک جنسیت در ایران باقی نماند. ارقامی که وزارت ورزش و جوانان در سال 1391 اعلام کرد، از زندگی مجرد حدود ۲۵ درصد دختران خبر داد. گرچه هم در ابتدای دهه ۹۰ و هم در سال ۹۵ آمار دقیقی از زندگی مجردی دختران و پسران ایرانی وجود ندارد اما به استناد سخنان وزیر ورزش و جوانان در سال ۹۱، 30 درصد جوانان در شش کلانشهر تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز به تنهایی زندگی می کنند.

اما دلیل این انفجار چه بود؟

زندگی مجردی در ایران که به گفته بسیاری از جامعه شناسان به دلیل گذر از کشوری سنتی به صنعتی و سر درگمی جوانان بین باورهای سنتی درست و غلط و فشار دهکده جهانی که فضای مجازی و رسانه های فراملی ایجاد کرده، به وجود آمده اما فارغ بر اینها اگر بخواهید علت اصلی زندگی مجردی را در ایران جست و جو کنید باید سری به آمارهای کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در ایران و پیامدهای منفی این امر بزنید. متأسفانه در سال های اخیر آمار ثبت ازدواج با روند کاهشی روبه رو شده، به طوری که از سال ۱۳۹۰ با رشد منفی ۹.۱ درصد و پس از آن در سال ۱۳۹۱ با رشد منفی ۱.۵ درصد و در سال ۱۳۹۲ منفی ۷.۶ درصد که در ۹ ماهه سال ۱۳۹۳ به منفی ۲.۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبلش رسیده است.

افزایش آمار طلاق و پیامدهای این اتفاق در ایران باعث شده بسیاری از جوانان به ازدواج بی رغبت شوند و آمار تجرد قطعی را در ایران بالا ببرد. به گفته اصغر نورالله زاده، مدیر عامل صندوق کارآفرینی امید در سال ۹۴، ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در ایران مجرد مانده اند. او همچنین از روند افزایش آمار زنان مجرد در کشور ابراز نگرانی کرده و گفته: سهم زنان نسبت به مردان در تجرد بیشتر است. او میانگین سن ازدواج در مردان را ۲۸ سال و زنان را ۲۳.۵ سال عنوان کرده و گفته است: قریب به ۴ میلیون نفر مجرد دارای تحصیلات بالایی هستند که در این میان سهم زنان تحصیل کرده ازدواج نکرده بیشتر است.

دختران مجرد شهری رقیب دختران مجرد روستایی

شاید باورتان نشود اگر بدانید که دختران روستایی بیش از دختران شهری در معرض تجرد قطعی قرار دارند. براساس سرشماری سال ۹۰، تعداد دختران هرگز ازدواج نکرده در مناطق روستایی در همه گروه های سنی بیش از دومیلیون و ۶۵۰ هزار نفر بوده است.

اگر این عدد را در مقابل ۳۱۱ هزار و ۵۰۶ دختر سه گروه سنی فوق در نقاط شهری قرار دهیم متوجه می شویم که جمعیت دختران هرگز ازدواج نکرده روستایی تقریباً نیمی از دختران هرگز ازدواج نکرده شهری است. این مقایسه می تواند یکی از نشانه های جمعیت عظیم مهاجرت مردان روستاها به شهرها باشد که فرصت ازدواج را از دختران روستایی گرفته است. در این میان استان تهران با دارا بودن یک میلیون و ۵۴۸ هزار و ۶۷۳ زن هرگز ازدواج نکرده در میان دختران ۱۰ تا ۵۰ سال و بالاتر در صدر این آمار قرار دارد. بعد از تهران استان های خراسان رضوی، خوزستان، فارس و اصفهان به ترتیب بیشترین تعداد دختران هرگز ازدواج

نکرده را دارند. البته تعداد مردان هرگز ازدواج نکرده نیز در تهران با یک میلیون و ۹۸۱ هزار ۷۷۶ نفر بالاترین آمار را داشته است. البته باید توجه داشت که آمار ارائه شده مربوط به چهار سال قبل است و این امید و احتمال بسیار زیاد است که دختران این گروه‌های سنی در آستانه مجرد قطعی فرصت ازدواج را یافته و از تقسیم‌بندی هرگز ازدواج‌نکرده‌ها خارج شده باشند.

چرا آمار مجرد زنان افکار عمومی را می‌ترساند؟

طبق آمار علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال، یک میلیون و ۳۰۰ هزار مرد بالای ۳۵ سال و زن بالای ۳۰ سال در کشور داریم که ۳۲۰ هزار نفر آنها پسر و ۹۸۰ هزار نفرشان دختر هستند. هرچند که زندگی و روابط انسان‌ها مثل این آمار خشک و بسته نیست و احتمال زیادی وجود دارد که این حدود یک میلیون دختر مجرد در فاصله سرشماری ۹۰ تا ۹۵ ازدواج کرده باشند، اما مسئله مهم، زنگ خطری است که به صدا درآمده است. اما چرا آمار زنان مجرد بیش از مردان مجرد برای مسئولان مورد توجه قرار گرفته است؟ زن و مادر شدن به هم وابسته‌اند. زنان به واسطه ماهیت وجودیشان، یک وظیفه نانوشته در جامعه و جمعیت دارند که آن همین تعهد طبیعی فرزندآوری است.

تا پیش از این مادر بزرگ‌هایمان میانگین ۶ تا ۱۲ فرزند را تجربه می‌کردند و مادران ما تجربه میانگین داشتن ۳ تا ۶ فرزند را داشتند اما زنان این دوره گرچه که انتظار می‌رود که تعهد خود را با کاهش متناسب دوره‌اشان ادامه دهند اما تعداد قابل توجهی از آنها در سن مجرد قطعی قرار دارند. بنابراین بسیاری از کارشناسان نگرانند تا در صورت ادامه نیافتن چرخه متناسب فرزندآوری نرخ باروری در کشور با افت چشم‌گیری روبه‌رو شود.

در تعریف علمی به تعداد فرزندانی که هر خانم در طول دوران بالقوه باروری خود (۱۵ تا ۴۹ سال) به دنیا می‌آورد را نرخ باروری می‌گویند که استناد به این تعریف می‌توانید تعداد دختران مجرد ازدواج‌نکرده اطرافتان را مرور کوتاهی کنید و ببینید که این نگرانی چقدر می‌تواند بزرگ باشد.

چرا دختران ایرانی ازدواج نمی‌کنند؟

گرچه مجرد ماندن دختران همانند مجرد ماندن پسران به دلایل بسیاری از جمله دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بستگی دارند و زنان همانند مردان ممکن است فردی هم‌سطح خود پیدا نکنند اما جامعه بیشتر به زنان انگ می‌زند. این زنان مجرد هستند که از سنی به بعد با عنوان‌هایی نظیر «ترشیدگی» مواجه هستند و حتی بسیاری از خانواده‌ها برای فرار از همین انگ، دخترانشان را به هر نوع ازدواجی مجبور می‌کنند. معمولاً زنان هرگز ازدواج نکرده با این انگ مواجه هستند که «اگر ایرادی نداشت حتماً باید ازدواج می‌کرد». با این حال دختران امروزی سعی می‌کنند با این تفکرات مبارزه کنند. برخی از دختران بی‌مسئولیتی و خصوصیات اخلاقی مردان را دلیلی برای مجرد ماندن و ازدواج نکردن خود می‌دانند.

فهیمة آزادی دختر ۳۰ ساله ایرانی یکی از دخترانی است که در گفت‌وگو با روزنامه لس‌انجلس تایمز در تشریح علل مجرد ماندن خود گفته است که «مردهای ایرانی برای ازدواج به اندازه کافی خوب نیستند!» او دختری است که پس از قطع شدن چندین رابطه، به تنهایی در آپارتمانی در جنوب تهران زندگی می‌کرد و اعتقاد داشت که به علت توسعه آموزش عالی، انتظارات زنان بیشتر شده است. او گفته: شما نمی‌توانید با یک مرد معمولی ایرانی ازدواج کنید که شما را محدود می‌کند و می‌گوید "کار نکن، بیرون نرو". این روزها پیدا کردن یک مرد روشنفکر ایرانی واقعاً سخت است، آنها عقبتر از ما هستند. او توضیح داد که مدتی با مردی تقریباً ثروتمند که در ارمنستان تحصیل کرده بود زندگی می‌کرده اما بعد از مدتی از او جدا شده است، پس از آن مادر و پدرش از تصمیمش برای اینکه مجرد بماند حمایت کردند. خواهر بزرگتر فهیمة هم وکیل است که یک فرزند ۱۰ ساله دارد و از شوهر خود طلاق گرفته؛ شوهرش مخالف این بوده که این وکیل به سفرهای کاری برود.

آزادی همچنین گفته که در طول این سال‌ها با مردهای زیادی آشنا شده است، اما هیچ کدام از آن‌ها به قدر کافی مسئولیت پذیر نبودند تا با آنها ازدواج کند یا بچه دار شوند: «مردهای پیرتر زنان جوان تر از من را ترجیح می‌دهند و جوان‌ترها هم فقط رابطه جنسی می‌خواهند چون فکر می‌کنند من قصد ازدواج ندارم و می‌توانم سهم پول خودم را در کافی شاپ‌ها بدهم!»

چرا پسران ازدواج را دوست ندارند؟

بی‌پولی، بیکاری، نداشتن خانه شخصی و تورم از یک طرف و بالا بودن مهریه و توقعات دختران ایرانی از سوی دیگر مردان را از ازدواج فراری می‌دهد. اتفاقی که به راحتی هم دختران را در مجرد قطعی قرار می‌دهد و هم پسران را.

دندان‌گرد شدن دختران ایرانی پاسخی از سوی پسران مجرد به اتهام «خوب نبودن و بی‌مسئولیتی مردهای ایرانی» است.

مهرداد یکی از مردان مجردی است که در آستانه ۳۷ سالگی با وجود موقعیت خوب مالی و تحصیلی ازدواج نکرده. او فوق‌لیسانس زبان دارد و رئیس یکی از شعب بانک‌های دولتی ایران است. او درباره دلیل ازدواج نکردنش و همچنین خوب یا بدبودن دختران و پسران می‌گوید: «به نظرم، نه دختران و نه پسران دیگر خوب نیستند، مهم‌ترین مشکل هم شاید این است که از مسئولیت قبول کردن فرار می‌کنند، حتی آنهایی هم که قبول می‌کنند ازدواج کنند، از مسئولیت‌هایشان در برابر طرف مقابل فرار می‌کنند، این مسئله هم درباره دختران و هم پسران صدق می‌کند و پس در هر دو سمت پیدا کردن گزینه مناسب برای ازدواج کار سختی به نظر می‌رسد.» او درباره دلیل ازدواج نکردنش نیز می‌گوید: «در همه این سال‌ها توقعم بالا رفته، ضمن اینکه حوصله‌ام هم کم شده و برای خودم پیله تنهایی درست کرده‌ام.»

زنان در تقابل با مردان

«شبکه‌های اجتماعی مقصرند، مجردی بهتر از متاهلی است، دختران از پسران متنفرند و پسران از دختران، خانه پدری بهتر از بی‌خانمانی دو نفره و ازدواج تنها به شرط پول» اینها تنها بخشی از نظرات و واکنش‌های مخاطبان به دلایل مجرد ماندن دختران و پسران ایرانی است. عده‌ای با ارسال نظر به خبرآنلاین به افرادی چون فهیمه آزادی و مهرداد توصیه کرده‌اند که ازدواج را برای ادامه زندگی انتخاب نکنند. عده‌ای دیگر شبکه‌های اجتماعی را مقصر اصلی این تفکرات و پذیرش زندگی مجردی در جوانان دانسته‌اند و گفته‌اند: «شبکه‌های اجتماعی سبک زندگی رو تغییر دادن، و خانواده‌ها هم در آموزش کم می‌ذارن. الان هیچ کسی درک درستی از ازدواج نداده در کل هیچ کدوم از دخترا و پسرا طاقت تحمل همدیگرو ندارن و فکر میکنن فقط حرف خودشون باید حرف اول و آخر باشه.»

پذیرش زندگی مجردی از سوی افکار عمومی اما یکی دیگر از خواسته‌هایی و نقدهایی است که بسیاری از مخاطبان آن را با دیگران در میان گذاشته‌اند. یکی از مخاطبان نوشته است: مخاطب دیگری که خود یک دختر مجرد است، به شرایط سخت زندگی دختران مجرد در ایران اشاره کرده و نوشته است: «من زندگی مجردی دارم. کاملاً شرایطش رو لمس میکنم. الان مشکل ما این نیست که چرا ازدواج نکردیم مشکل اینجاست که چرا بدون ازدواج نمیتونیم زندگی کنیم.»

مجرد ماندن نگرانی دارد؟

ازدواج نکردن نمی‌تواند به خودی خود نگران‌کننده باشد اما وقتی یک دختر رخ‌ندادن آن را در کنار همه محدودیت‌ها، موانع، مشکلات، کمبودها و نگرانی‌هایش می‌گذارد، اوضاع کاملاً تغییر می‌کند. واقعیت این است که نگرانی درباره آینده و ترس از تنهایی تبدیل به یکی از موارد اصلی بحث میان دختران ازدواج‌نکرده یا حتی زنان مطلقه و تنها شده است و بسیاری از زنان برای فرار از این نگرانی و ترس، راه‌های مختلف، پرهزینه و حتی خطرناک را در پیش می‌گیرند. البته همین موارد برای مردان نیز صادق است. از آنجایی که جامعه ما با عرف و رفتارهایی اجتماعی عجین شده و براساس همین رفتارها و عرف‌ها مردان فرصت، امکان و راه‌های بیشتری برای تأمین نیازهای خود دارند.

عدم ارتقای کاری یکی از پیامدهای مجرد ماندن مردان است. اتفاقی که به عنوان یکی از ابزارهای قهرآمیز که نتیجه اش تشویق مردان مجرد به ازدواج است در ایران مورد استفاده قرار گرفته؛ ابزاری که کمتر زمانی به نتیجه مورد نظر دست پیدا کرده است. محمدناصر نیک‌بخت، استاندار همدان از جمله کسانی است که به این اقدام قهرآمیز روی آورده و ضمن اعلام این خبر که 5000 کارمند مجرد در دستگاه‌های اجرایی فعالیت می‌کنند، گفته است: در تعجب هستم که کارکنان دستگاه‌های اجرایی با وجود شاغل بودن چرا از امر ازدواج اجتناب می‌کنند؟! بنابراین از این پس کارمندان مجردی که قراردادی هستند را پیمانی نخواهیم کرد و اگر پیمانی باشد رسمی نمی‌شوند.

مجرد ماندن برای هر دو گروه یک بحران روحی، روانی و حتی جسمانی است. با این حال در جامعه کنونی ما دختران نگرانی بیشتری نسبت به مجرد ماندنش‌شان دارند. به عبارتی بیشتر دختران به‌خصوص آنهایی که تصمیم به زندگی منفک از خانواده خود را می‌گیرند، فارغ از انواع عارضه‌های جسمی و روحی و روانی نوعی نگرانی از آینده و ترس از تنهایی دارند که نمی‌توانند با آن کنار بیایند و ممکن است همین نگرانی و ترس در آنها تبدیل به بیماری‌های دیگری شود.

ترس‌هایی که به گفته ناهید خداکرمی، رئیس کارگروه بهداشت معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و رئیس انجمن مامایی بین دختران کم سن و سال تنها و دختران و زنانی که از سن ازدواجشان گذشته مشترک است. او می‌گوید این حس بین آقایان تنها و ازدواج‌نکرده هم وجود دارد.

علت چیست؟ چه باید کرد؟

او مسئله عدم ازدواج، گسترش روابط غیر از ازدواج، کاهش فرزندآوری، افزایش سن ازدواج و تمایل نداشتن به آن و بسیاری از مشکلات دیگر را زنجیره‌وار به هم متصل دانسته و بیان کرده است: باید بدانیم همه اینها به اشتغال و بیکاری و تحصیلات و میزان محدودیت‌ها و آزادی‌های جوانان در جامعه ربط داشته و دارد. او می‌گوید مهاجرت‌ها و مسائل مالی خانواده‌ها و امید و ناامیدی بین جوانان را باید در نگاه آنها به آینده بررسی کرد. بسیاری از جوانان به دلیل همین نداشتن امید به آینده و نداشتن برنامه‌ای برای آینده خود را وارد رفتارها و اقداماتی پرخطر و پرهزینه می‌کنند و برایشان نتایج این اتفاقات مهم نیست و این نگران‌کننده‌ترین اتفاق درباره جوانان یک کشور است. او به نتایج بررسی‌های جهانی اشاره می‌کند و می‌گوید: در جوامعی که شادی و نشاط اجتماعی و فردی بالاست و امید به آینده فرد و خانواده تا حد زیادی وجود دارد، تمایل به ازدواج بیشتر و نرخ باروری هم بالاست و بالعکس در جوامعی که مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و... وجود دارد، این شاخص‌ها هم افت می‌کند.

خداکرمی در رابطه با مجرد و احساس ترس در مردان نیز گفته: افزایش سن ازدواج یا هرگز ازدواج نکردن درباره مردان هم نگران‌کننده است اما از آنجایی که مردان از نظر عرفی و اجتماعی و البته جسمی فرصت بیشتری برای داماد شدن دارند نگرانشان کمتر است. درعین حال جامعه ما از شدت نگرانی درباره ازدواج نکردن در سنین بالاتر دچار هیجان ازدواج دختران و پسران در سنین کمتر از سن ازدواج شده است و به همین دلیل شاهد افزایش ازدواج‌های کمتر از ۲۰ ساله‌ها هستیم که همین موضوع خود شروع یک اتفاق ناگوار دیگر است.

رئیس کارگروه بهداشت معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری تأکید دارد ارگان‌های مسئول در امر سلامت جسم و روان و نیز ارگان‌های متولی درباره مسائل اشتغال و شادی و نشاط و تحصیل و... همراه با هم مدیریت کنترل اجتماعی را اجرا کنند که البته مبنای آن نباید اقدامات قهری باشد. او گفته است که باید سیاست‌های جداسازی دختران و پسران در سن ازدواج از یکدیگر را اصلاح کنیم و بدانیم که بهتر است دختران و پسران قبل از ازدواج با یکدیگر آشنا شوند. در این شرایط است که آنها می‌توانند اولاً اقدام به انتخاب کنند و درعین حال با خصوصیات جنس دیگر آشنا شوند.